

بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی به عنوان یک آسیب اجتماعی در شهرستان اهواز

زارع شاه آبادی اکبر^{۹۰}

ترکان رحمت الله^{۹۱}

چکیده:

هدف از این تحقیق بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی در شهرستان اهواز است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شده اند. واحد تحلیل، فرد است. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت اسنادی و میدانی می باشد. در گردآوری داده ها از روش میدانی و پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. پس از بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل گردیده اند، جهت بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از آزمونهای همبستگی پارامتریک که برای متغیرهای کمی کاربرد دارند، فرضیات آزمون شد به تحلیل داده ها پرداخته شد. نتایج نشان گر آن است که متغیرهای، عدم امکانات رفاهی، فقر، عدم شغل مناسب، جنگ تحمیلی، فقدان نهادهای سازمان یافته نقش مهمی در شکل گیری حاشیه نشینی در شهرستان اهواز داشته اند. بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته رابطه مثبت و مستقیم مشاهده گردیده است.

کلید واژه : حاشیه نشینی، مهاجرت، شهرنشینی، فقر، اهواز

The study of effective factor on marginalization as a social pathology in city of Ahwaz

Abstract:

The purpose of this study factors in shaping the city of Ahwaz is marginalized. Cochran using the formula 400 as a single sample analysis have been selected individual. Collection methods collected in two documents is track. In gathering data methods and field or scrolling is used questionnaires and interviews.

^{۹۰} عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

^{۹۱} کارشناسی ارشد جامعه شناسی

Reliability and validity of the questionnaire - using the analysis spss software have been. To review significant relationship between variables parametric correlation tests for quantitative variables are used - to analyze the data assumptions were discussed. The results indicate that lack of amenities variables - poverty - lack of suitable jobs - war - lack of organized institutions play an important role in shaping the marginalized in the city of Ahwaz have between independent variables and the dependent variable is a direct relationship has been observed.

Keywords: Slum, migration, urbanization, Poverty, Ahwaz



مقدمه

در حال حاضر بیش از یک میلیارد نفر از ساکنان شهرهای جهان در مسکن نامناسب زندگی می‌کنند و در کشورهای در حال توسعه، بیشتر این افراد در مناطق حاشیه‌نشین محروم و سکونت گاه‌های غیرقانونی ساکن هستند. این در حالی است که شهرها، جهت بهبود بخشیدن به شرایط زندگی، از امکانات و تسهیلات فراوانی برخوردار می‌باشند. اما از آنجا که این امکانات و تسهیلات میان اقشار مختلف شهر به طور مساوی تقسیم نشده است، لذا شهرها به بخش‌های دارا و ندار و یا به تعبیر دیگر بخش‌های مرفه و بخش‌های محروم تقسیم می‌گردند که هر قشر دارای روش‌های متفاوت زندگی می‌باشند. رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها مساله حاشیه‌نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه‌ی طبیعی خود را از دست می‌دهد. مطالعات متعدد انجام شده در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که اگر چه سابقه حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران به سالهای ۱۳۰۰ برمی‌گردد. ولی شدت و رواج آن در دهه‌های ۴۰-۵۰ بوده است. ویژگی کلی حلبی‌آبادها را میتوان در سکونت‌های دسته جمعی و مترکم، مقررات، همبستگی و فرهنگ خاص آنها یافت. در حال حاضر اشکال حاشیه‌نشینی مانند کپر نشینی، زاغه‌نشینی و حلبی‌آبادها در حال گسترش هستند.

بیان مساله:

امروزه پدیده شهری کره زمین را تسخیر کرده است (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۳). توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است. حاشیه‌نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سستی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند. اما وجه درونی

حاشیه‌نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. «فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزشهای فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزشهای دیگری هنوز به‌طور کامل جایگزین آنها نشده است. تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شکل‌گیری شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگها، حالت کناره‌گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزشها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند» (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴). هرچند پیدایش مسایل اجتماعی شهری معلول عوامل متعددی است اما در این بین حاشیه‌نشینی را میتوان بعنوان علتی برجسته‌تر مورد تاکید قرار داد. از سوی دیگر حاشیه‌نشینی خود از خلال بررسی پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل مطالعه است. در ایران، حلبی‌آبادها مکان دایمی فقرا بوده است، زیرا صاحب خانه‌ای نیستند و در کپرها زندگی می‌کنند. در ارتباط با حیات اقتصادی، ساکنان حلبی‌آبادها در شهرها کار می‌کنند، بخصوص در بخش ساختمان‌سازی شاغل هستند یا به خرید و فروش سیگار و مواد مخدر اقدام می‌نمایند. در این تحقیق، مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز انتخاب شده است. و سعی شده با رویکردی جامعه‌شناختی به عوامل موثر در حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز پردازیم. بر همین اساس سوال اصلی پژوهش بررسی این است که عوامل اقتصادی اجتماعی جمعیتی موثر بر حاشیه‌نشینی در شهرستان اهواز کدامند؟

اهداف تحقیق:

هدف این تحقیق شناخت علل و عوامل موثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر اهواز و ارائه راه کارهایی در کاهش مشکلات در این زمینه است.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین عدم امکانات رفاهی در مبدا و حاشیه‌نشینی در اهواز رابطه وجود دارد.
- ۲- بین فقر و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سطح تحصیلات و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین جنگ تحمیلی و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین درآمد ماهیانه و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.

۶- بین فقدان نهادی سازمان یافته و حاشیه نشینی رابطه وجود دارد.

نظریات پژوهش

نظریه ی اورت. اس. لی:

اورت. اس. لی^{۹۲} در تئوری عوامل دافعه و جاذبه چهار عامل برانگیزاننده و بازدارنده ی مهاجرت را بررسی می کند که عبارتند از: عوامل موجود در مبدا و مقصد، موانع موجود از مبدا به مقصد و عوامل شخصی. عوامل مذکور به وسیله ی اشخاص مختلف به صورت متفاوتی پذیرفته و باور می شود. بر اساس این دیدگاه چنانچه برآیند عوامل برانگیزاننده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت ایجاد می شود (همان).

نظریه های مهاجرتی مایکل تو دارو (۱۹۷۵)

مایکل تو دارو مهاجرت شده یافته از روستا به شهر را با بیکاری رو به تزاید در مناطق روستایی توضیح می دهد.

فرضیه نمادین وی این است که مهاجرت عمدتاً پدیده ای اقتصادی است و با وجود بیکاری در مناطق روستایی مهاجرت امری منطقی است. چهار ویژگی اصلی برای نظریه تو دارو عبارتند از:

الف) انگیزه مهاجرت بر اساس ملاحظات عقلانی، اقتصادی، سود و هزینه نسبی است و اگرچه عمدتاً مالی است، در ضمن روانی هم به شمار می رود.

ب) تصمیم به مهاجرت بستگی به تفاوت‌های مورد انتظار بین مزدهای واقعی در شهر و روستا دارد و نه تفاوت‌های واقعی بین آنها. تفاوت‌های مورد انتظار به وسیله کنش متقابل دو متغیر، یعنی تفاوت‌های واقعی بین مزدهای شهری و روستایی و احتمال کسب موفقیت آمیز شغل در بخش شهری تعیین می شود.

ج) احتمال بدست آوردن شغل در شهر ارتباط معکوس با میزان بیکاری شهری دارد.

د) در صورت وجود اختلاف زیاد بین درآمدهای مورد انتظار در شهر و روستا، مهاجرت مازاد بر امکانات اشتغال شهری، نه تنها ممکن، بلکه منطقی است.

دیدگاه کارکرد گرایان در خصوص علت حاشیه نشینی

دیدگاه کارکردگرایی در توجیه مهاجرت روستائیان و تمرکز آنها در مناطق حاشیه ای شهری معتقد است

که: از آنجا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورد نمی شوند و در تعدادی از شهرها پاسخ صحیحی برای آنها وجود دارد، از این رو به گونه ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می شود.

و روستائیان برای ارضای نیازهای خود دست به مهاجرت می زنند. بنابراین از دیدگاه نظریه کارکردگرایی

مهاجرت ناشی از عدم تعادل های اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که

⁹². Evert.s.lee

در جامعه روی می دهد، در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است. طرفداران این نظریه معتقدند که دوام هر جامعه در گرو تعادل و یکپارچگی است تا انسجام لازم به وجود آید و در این میان مهاجرت به عنوان عاملی در انتقال نیروی انسانی، سرمایه و منابع تولیدی دیگری به شهرها تعادل را میان مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته ایجاد می کند.

نظریه ی جاذبه و دافعه راونشتاین

راونشتاین معتقد است علت حاشیه نشینی را می بایستی در میان جذابیت های مناطق شهری و دافعه ها و عوامل بازدارنده محیطهای روستایی جستجو نمود. حاشیه نشینان به علت عدم برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزش و تحصیلی از مهمتر از همه جهت برخورداری از کار و اشتغال ناگزیر از مهاجرت به شهرها می شوند. البته راونشتاین معتقد است که این مهاجرت روندی مرحله ای داشته و روستائیان ابتدا تمایل دارند به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می کنند، مهاجرت نمایند. به زعم راونشتاین با گسترش تکنولوژی ارتباطات و تسهیل فرایند جابجایی روند مهاجرت رو به ازدیاد خواهد گذاشت.

از نظر راونشتاین وجود قوانین ظالمانه و نامناسب و روزمره، مالیاتهای سنگین، آب و هوا و اقلیم نامناسب و محیط های اجتماعی نامطلوب، تماما در ایجاد جریانات مهاجرت تأثیرگذار خواهند بود.

نظریه ی عوامل میانی

اورت اس. لی. جامعه شناس، در سال ۱۹۶۶ با نقد نظریات راونشتاین، نظریه ای جدید را در زمینه مهاجرت روستائیان به شهرها و شکل گیری حاشیه نشینی ارائه نموده است. به عقیده وی مهمترین عوامل در تصمیم گیری برای مهاجرت عبارتند از:

(I) عوامل مرتبط با حوزه مبدأ مهاجرت: این عوامل به پدیده های فرهنگی و محیطی مربوط می شود که می تواند مثبت (جاذبه)، منفی (دافعه) و خنثی (بی اثر) باشند.

(II) عوامل مرتبط با منطقه مقصد مهاجرت: این عوامل همان امتیازات و معایب زندگی شهری برای مهاجران روستایی را تشکیل می دهد.

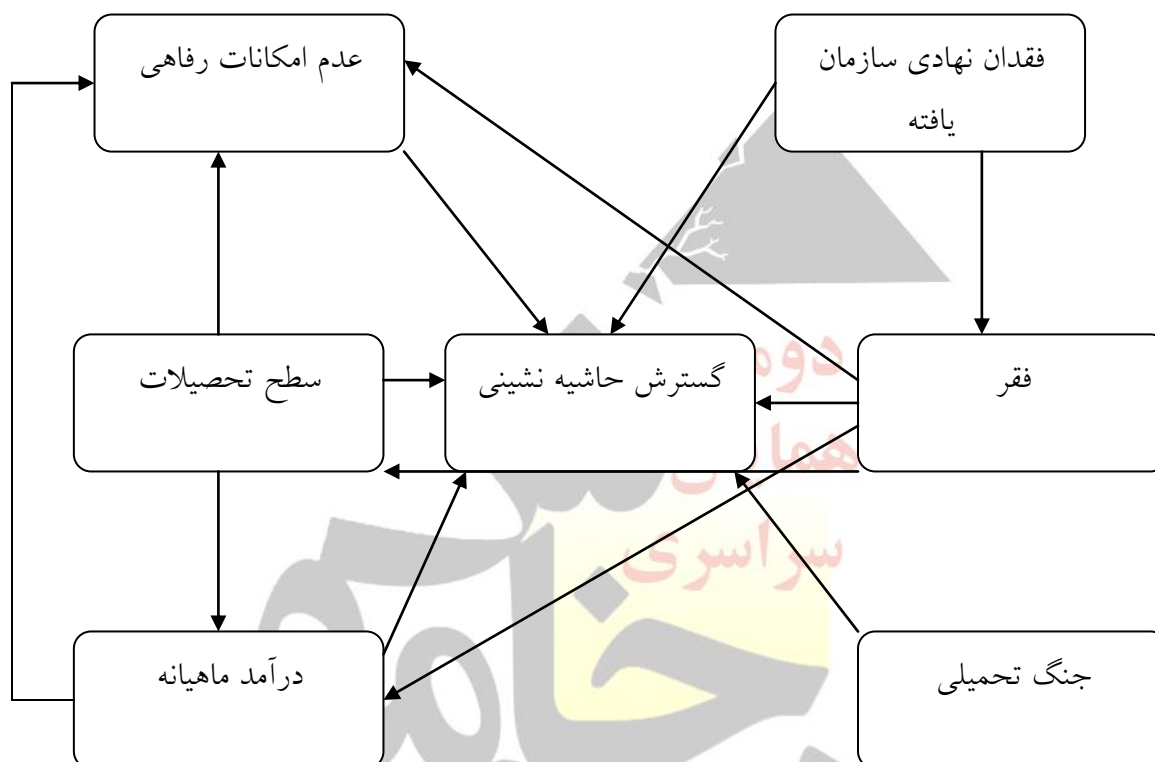
(III) عوامل دخالت کننده: موانع بازدارنده بین مبدأ و مقصد مانند بعد مسافت، بازدارنده های فیزیکی، قوانین مهاجرت، هزینه حمل و نقل، سنت ها، آداب و رسوم و ... که در جابجایی یا باقی ماندن افراد تأثیر می گذارد.

(IV) عوامل شخصی: مانند حساسیتهای فردی، هوش، آگاهیهای اجتماعی، تماسهای فردی، داشتن آشنا و راهنما در شهر، شرایط خانوادگی، تاریخچه خانوادگی، جنسیت و سواد افراد (لهسایی زاده، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

مدل تئوری تحقیق

جامعه‌شناسانی چون دورکیم، ردفیلد و تونیس، به این نتیجه رسیده بودند که انتقال از شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری، پیامدهای ناخوشایند فراوانی دارد. آنها معتقد شده بودند که در این انتقال، روابط غیرشخصی جانشین روابط شخصی می‌شود و در نتیجه نظم و نظام جامعه را در معرض از هم گسیختگی قرار می‌گیرد. مطالعات شاو در مکتب شیکاگو به بازیابی حلقه‌هایی چند در حوزه شهری انجامید. بدین ترتیب که در حلقه‌های دور از مرکز، کمترین میزان جنایت و بیشترین میزان هویت فردی دیده می‌شود و همانطور که به حلقه‌های میانی نزدیکتر می‌شد، ملاحظه می‌نمود که به همراه افزایش تراکم، تبهکاری بسط می‌یابد، بی‌نامی و فقدان هویت انسانها رایج می‌شد و تنهایی انسانها در داخل انبوههای شهر دیده می‌شد. لوئیس ورت و برجس نیز با طرح نظریه منطقه‌ای معتقدند که در جریان توسعه شهر، مناطقی با کارکردها و ویژگیهایی بوجود می‌آید و در آخرین مرحله رشد، منطقه اعیان نشین شکل می‌گیرد. میلر دیگر نظریه پرداز است که ادعا می‌کند که افراد تنها با زندگی در میان طبقات اجتماعی فرودست و تاثیرپذیری از خرده فرهنگ آنهاست که به طرف اعمال غیرقانونی و رفتارهای انحرافی کشیده می‌شوند. مارکس معتقد است که جنایت، فحشا، فساد و رفتار خلاف اخلاق در درجه نخست ناشی از فقر است که زاییده سیستم سرمایه‌داری است، بدین سان که عده معدودی با در اختیار گرفتن وسایل تولید، ثروتها را بطور نامساوی قسمت می‌کنند و تناقضات جامعه را پدید می‌آورند. البته لازم به ذکر است که این نظریات بیش‌تر با خصوصیات شهرهای کشورهای پیشرفته مطابقت دارند. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از اندیشمندانی چون پارک، ورت، میلر، راین و اتر، مارکس، اسکار لوئیس، هانارز، زاهدانی است.

مدل تحلیلی پژوهش: مدل تحلیلی یک پژوهش، یک مجموعه ساختارمند و مرکب مفاهیم و فرضیه های متصل به یکدیگر است. به عبارت دیگر این مدل از مفاهیم و فرضیه هایی که میانشان ارتباط تنگاتنگی برقرار است، ساخته شده اند و مجموعاً چهارچوب منسجم و وحدت یافته ای را تشکیل می دهند (نادری و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱۱)



Designer: Kaberz Zohabi - shahrami

روش شناسی تحقیق

طرح پژوهش: با توجه به موضوع مورد مطالعه، پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^{۹۳} است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^{۹۴}، از نظر وسعت پهنانگر^{۹۵} و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^{۹۶} است. در اجرای این پژوهش از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق به مطالعات انجام گرفته و نظریات صاحب نظرانی که به این موضوع پرداخته اند، مراجعه شد. و برای انجام مطالعه اکتشافی و بدست آوردن شاخصهای تحقیق از افراد صاحب نظر در ارتباط با موضوع تحقیق مصاحبه به عمل آمد و سپس با توجه به مبانی نظری تحقیق و نتایج بدست آمده از مصاحبه، پرسشنامه تحقیق بعنوان ابزار جمع آوری داده ها تهیه و تنظیم شد. واحد تحلیل، فرد و قلمرو زمانی تحقیق حاضر، شش ماهه دوم سال ۱۳۸۹ است. همچنین میزان روایی^{۹۷} متغیرهای متعدد پژوهش حاضر بر اساس آلفای کرونباخ در جدول شماره ۱ آمده است، که به نظر می رسد همه سازه های مورد مطالعه در حد مطلوبی روایی دارند.

جدول شماره ۱: میزان آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	آلفا اولیه
فقدان نهادی سازمان یافته	۰/۶۴۱
عدم امکانات رفاهی	۰/۶۲۵
عدم شغل مناسب	۰/۵۵۹
فقر	۰/۴۵۵
درآمد پایین	۰/۷۷
سطح تحصیلات	۰/۶۶
جنگ تحمیلی	۰/۵۴

جامعه آماری و روش نمونه گیری

- 12- Survey
- 13- applied
- 14- extensive
- 15- cross-sectional
- 16- reliability

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهرستان اهواز (اعم از زن و مرد) که بنابر اسناد موجود در شهرداری شهرستان اهواز حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر می باشند، می شود. در مورد حجم نمونه با توجه به اطلاعات و آمار موجود بر طبق فرمول کوکران ۴۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری در این تحقیق، بصورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای می باشد.

ابزار جمع آوری داده ها

در گروه های بزرگ تر، هنگامی که مقایسه نسبتاً دقیق رفتار گروه ها با یکدیگر مطرح می شود، باید مقیاس های دقیق، قابل اطمینان و یک شکلی برای مقایسه و سنجش آن تعداد زیاد از افراد با یکدیگر یافت. (نادری و همکاران، ۱۳۷۶-۲۹) همین علت تکنیک پرس و جو و تنظیم پرسشنامه بهترین ابزار خواهد بود. از اینرو برای سنجش مفاهیم تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته، استفاده شد.

اعتبار^{۹۸} پرسشنامه

در پژوهش حاضر، اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است و در تهیه پرسشنامه علاوه بر نظر صاحب نظران و اساتید استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

پس از تکمیل پرسشنامه ها، مرحله استخراج آغاز شد. به این منظور ابتدا سوال باز شغل گروه بندی و سایر سوالات بسته باتوجه به قطبهای مثبت و منفی سوالات کدگذاری گردید. در مرحله بعد داده ها وارد نرم افزار Spss گردید و به کمک آزمونهای ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها

یافته ها نشان می دهد که بیشتر پاسخ دهندگان دارای سابقه مهاجرت ۵-۱ سال می باشند میانگین سابقه مهاجرت ۲۴ سال می باشد. و میانگین سنی آنها ۴۱ سال است.

۲۲ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات فوق دیپلم و ۱۷ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۰ درصد ابتدایی و ۳ درصد نیز بیسواد بوده اند. در این میان ۱۳ درصد نیز درباره وضعیت تحصیلی اطلاعی نداده اند. و بیشترین فراوانی تحصیلات پاسخگویان در مقوله متوسطه با ۲۸ درصد است.

۶۱/۸ درصد حاشیه نشینان مورد مطالعه از روستا به شهر مهاجرت کرده اند و ۳/۲ درصد آنان از

شهرستان های دیگر مهاجرت نموده اند.

زیر بنای واحد مسکونی ۱۰/۵ درصد از افراد مورد مطالعه زیر ۵۰ متر بوده است، ۲۶/۸ درصد زیر ۷۰ متر، ۴۳/۵ درصد بین ۷۰ تا ۱۰۰ متر، ۱۷/۳ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر و ۲ درصد بیش از ۱۵۰ متر بوده است. ۱۰/۳ درصد از افراد مورد مطالعه مستاجر مستقل، ۲۰/۳ درصد اشتراکی با پدر، ۳۸/۳ درصد مالک، ۲۴/۵ اجاره ای مشترک با صاحب خانه و ۶/۸ درصد اجاره اشتراکی با دوستان بوده اند.

اکثریت آنها یعنی ۸۰/۱ درصد همسر شان خانه دار بوده، ۲/۷ درصد کارمند بوده و ۱/۴ درصد همسر شان بازنشسته بوده است. ۱۲ درصد پاسخگویان بدون درآمد، ۷ درصد دارای درآمد زیر ۲۰۰ هزار در ماه و ۲۰ درصد هم درآمدی بین ۲۰۱ الی ۴۰۰ هزار در ماه داشته و ۲۳ درصد نیز درآمد ماهانه ای بالای ۴۰۱ هزار داشته اند. در زمینه دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی ۲۲ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد داشته اند، ۲۱ درصد از آنان زیاد، ۱۷ درصد متوسط، و ۲۴ درصد کم و ۱۶ درصد خیلی کم را اظهار داشته اند. در مورد تاثیر جنگ ۳ درصد از پاسخگویان جنگ را خیلی زیاد، ۱۲ درصد از آنان زیاد، ۳۵ درصد متوسط، و ۱۹ درصد کم و ۳۱ درصد خیلی کم بر گسترش این مناطق موثر می دانند. همچنین ۶ درصد از پاسخگویان جنگ را خیلی زیاد در مهاجرت خود دانسته و ۱۶ درصد از آنان زیاد، ۲۴ درصد متوسط، و ۲۲ درصد کم و ۳۲ درصد خیلی کم اظهار داشته اند.

آمارهای استنباطی

نتایج حاصل از ضرایب همبستگی (پیرسون و اسپیرمن) بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان دادند که روابط دو به دو بین حاشیه نشینی و تمامی متغیرهای مستقل (عدم امکانات رفاهی، شغل، جنگ تحمیلی، فقر، فقدان نهادی، تحصیلات، درآمد ماهیانه) مستقیم و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار می باشند. از بین متغیرهای مستقل نیز تحصیلات دارای بیشترین همبستگی مستقیم با حاشیه نشینی می باشد ($I=0/79$). و متغیر درآمد ماهیانه با ($I=0/64$) و متغیر عدم امکانات رفاهی با ($I=0/55$) در مراتب بعدی همبستگی مستقیم با حاشیه نشینی قرار دارند. (جدول شماره ۲)

نتایج آزمون همبستگی بین حاشیه نشینی و متغیرهای مختلف

متغیر	آزمون	r	sig
عدم امکانات رفاهی	اسپیرمن	۰/۵۵	۰/۰۴*
فقر	اسپیرمن	۰/۲۵	۰/۰۵
شغل	اسپیرمن	۰/۴۹	۰/۰۱
جنگ تحمیلی	اسپیرمن	۰/۳۰	۰/۰۲

۰/۰۴	۰/۲۱	اسپیرمن C	فقدان نهادی
۰/۰۰۰	۰/۷۹	پیرسون	تحصیلات
۰/۰۰۴	۰/۶۴	پیرسون	درآمد ماهیانه

* $p < 0.05$

به منظور سنجش و بررسی عوامل تعیین کننده حاشیه نشینی و دستیابی به ترکیب بهینه عوامل موثر بر حاشیه نشینی از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام، استفاده شد. جدول زیر خلاصه اطلاعات حاصل از اجرای رگرسیون رانشان می دهد. قابل ذکر اینکه به هنگام اجرای رگرسیون ۱۲ مورد که دارای مقادیر پرت بودند از تحلیل حذف شد.

• جدول شماره (۳) نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد شده β	مقدار T	سطح معنی داری
constant		۱/۹۸	۰/۰۰۰
عدم امکانات رفاهی	۰/۲۸	۷/۱	۰/۰۰۰
فقر	۰/۱۱	۳/۵	۰/۰۳
شغل	۰/۲۱	۲/۲	۰/۰۳
طبقه اجتماعی - اقتصادی	۰/۱۳	۳/۹	۰/۰۵
جنگ تحمیلی	۰/۱۹	۲/۴	۰/۰۵
فقدان نهادی	۰/۱۰	۱/۴	۰/۰۵
تحصیلات	۰/۲	۴/۹	۰/۰۰۱

درآمد خانواده	۰/۴	۳/۳	۰/۰۰۴
نتایج تحلیل واریانس	F		۲۶/۸
	sig		۰/۰۰۰
ضریب تعیین	R		۰/۴۵
ضریب تعیین تعدیل شده	R ²		۰/۲۰

همانگونه که در جدول دیده می شود نتایج معادله رگرسیونی فوق نشان می دهد که با توجه به مقدار F و سطح معنی داری معادله را در سطح اطمینان ۹۹ درصد معادله ای معنا دار است و متغیرهای مستقل عدم امکانات رفاهی، فقر، شغل، طبقه اجتماعی - اقتصادی، جنگ تحمیلی، فقدان نهادی، تحصیلات، درآمد ماهیانه رابطه معنی داری را با متغیر وابسته حاشیه نشینی نشان می دهند. این متغیرها دارای ضریب همبستگی چندگانه به میزان ۰/۴۵ با متغیر وابسته حاشیه نشینی هستند و ۲۰ درصد واریانس متغیر وابسته حاشیه نشینی را تبیین می کنند. با توجه به ضرایب بتا حاصل شده متغیر درآمد خانواده بیشترین تاثیر و متغیر فقدان نهادی کمترین تاثیر را بر متغیر وابسته حاشیه نشینی را دارند.

نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی به عنوان یک آسیب اجتماعی در شهرستان اهواز بود. نتایج حاصل از همبستگی متغیرهای اساسی تحقیق در سطح تحلیل دو متغیره، نشان دادند که روابط دو به دو بین حاشیه نشینی و تمامی متغیرهای مستقل (عدم امکانات رفاهی، شغل، جنگ تحمیلی، فقر، فقدان نهادی، تحصیلات، درآمد ماهیانه) مستقیم و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار می باشند. از بین متغیرهای مستقل نیز تحصیلات دارای بیشترین همبستگی مستقیم با حاشیه نشینی می باشد (I=۰/۷۹). و متغیر درآمد ماهیانه با (I=۰/۶۴) و متغیر عدم امکانات رفاهی با (I=۰/۵۵) در مراتب بعدی همبستگی مستقیم با حاشیه نشینی قرار دارند. در تبیین این مساله می توان گفت که وقتی که افراد تحصیلات پایین ر داشته باشند نمی توانند شغلهای بالاتری را بدست بیاورند بنابراین درآمد پایین تری دارند و وقتی که درآمد پایین تری داشته باشند نمی توانند در مناطق عادی یا سطح بالای شهر زندگی کنند بنابراین به مناطق حاشیه که مسکن ارزان است روی می آورند اما امکانات رفاهی مناسب ندارد. بر اساس نتایج تحلیل چند متغیری و انجام رگرسیون، مشاهده می شود که از بین متغیرهای تاثیر گذار در مجموع ۸ متغیر (عدم امکانات رفاهی، فقر، شغل، تحصیلات، طبقه اقتصادی - اجتماعی، جنگ تحمیلی، فقدان نهادی، درآمد خانواده) ۲۰ درصد از تغییرات و نوسانات متغیر وابسته را تبیین می کنند. و بر اساس ضرایب بتای بدست آمده متغیرهای درآمد خانواده بالاترین همبستگی را با حاشیه نشینی دارد. بنابراین حاشیه نشینی در وهله اول متأثر از وضعیت اقتصادی و درآمد خانواده است. دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله رگرسیون شده است، متغیر عدم امکانات رفاهی با ۰ است. شغل ۰ به عنوان سومین

متغیر تأثیر گذار بر روی حاشیه نشینی می باشد. و به همین ترتیب متغیرهای دیگر در مراتب بعدی تأثیر بر روی حاشیه نشینی قرار دارند.

پیشنهادهای پژوهشی

- ۱- پیشنهاد می شود برای دست یابی به نتایج بهتر مسئله حاشیه نشینی از دیدگاه مختلفی (روان شناسی، جامعه شناسی و ...) نگریسته شود.
- ۲- به بررسی علل روی آوردن افراد به زندگی در حاشیه شهرها پرداخته شود.
- ۳- به آسیب هایی که در این گونه مناطق حاشیه نشین از جمله پدیده های شوم اعتیاد، قتل، غارت، سرقت و ... اتفاق می افتد، نگاهی واقع گرایانه شود.
- ۴- تأمین اشتغال در مناطق روستایی و شهرهای ک.چک به منظور جلوگیری از مهاجرت به مناطق حاشیه نشین
- ۵- بهسازی مناطق حاشیه نشینی از نظر آب آشامیدنی، مسکن، بهداشت، راه و فضای سبز
- ۶- اشتغال زایی برای افراد در مناطق حاشیه نشین به منظور بهبود سطح در آمد افراد
- ۷- آموزش افراد مناطق حاشیه نشین درباره مهارت های اجتماعی و راههای حل مساله و پیشگیری از آسیب های اجتماعی برای بهزیستی ساکنان حاشیه نشین
- ۸- ایجاد فرصت برای اسکان خانواده های مهاجر در مناطق دیگر شهر می تواند منجر به کاهش میزان ارتکاب نوجوانان به جرایم خشونت آمیز شود.
- ۹- راه اندازی تعاونیهای مسکن و تعاونی های تولید به منظور اشتغال
- ۱۰- آموزش فنون و مهارت های فنی لازم برای بدست آوردن مشاغل مناسب و دایمی
- ۱۱- ایجاد دسترسی به منابع اعتباری و خرده وام، به ویژه برای شاغلین در بخش غیر رسمی.

منابع فارسی:

- ۱- پیران، پرویز، ۱۳۷۸، آلونک نشینی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۸۸ - ۸۷.
 - ۲- پیران، پیروز، ۱۳۸۱: باز هم در باب اسکان غیر رسمی: مورد شیرآباد زاهدان، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره نهم و دهم پاییز و زمستان.
 - ۳- جمشیدی ها، غلامرضا، عنبری، موسی، ۱۳۸۳، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۳.
 - ۴- زاهدانی مازندرانی، محمد جواد، ۱۳۳۵، نگرش نو بر مهاجرت های داخلی ایران
 - ۵- زاهد زاهدانی، سید سعید، ۱۳۶۹، حاشیه نشینی شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
 - ۶- فالیکوف، یانکل، ۱۳۸۳، جامعه شناسی شهر (عبدالحسین نیک گهر) تهران انتشارات آگه.
 - ۷- تودارو، مایکل، ۱۳۳۶، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجامی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
 - ۸- لهسایی زاده، عبدالعلی، ۱۳۶۸: نظریات مهاجرت شیراز: انتشارات نوید.
 - ۹- نادری، عزت الله و مریم سیف نراقی و فرنگیس شاهپوریان (۱۳۷۶)، راهنمای عملی فراهم سازی طرح تحقیق، تهران: انتشارات بدر.
- منابع غیر فارسی:

- 1- United Nation Population Derision, 1371, 2
- 2- Bissell, Keith & Short, John. (1980) Housing & Residential structure.
- 3- Refuges Special issue December 1988.
- 4- UN – HABITAT (2005) Slums of the word: The Face of urban Poverty in The New Millennium? <http://www.unhabitat.org>
- 5- Clinard, marshal B, (1966). Slum and Community Development. New York: the Free Press.